



حقوق فرهنگی

نویسنده: Janusz Symonides

ترجمه: دکتر محمدرضا حسن زاده



در این مقاله، دبیران محترم علوم اجتماعی با کنوانسیون‌های بین‌المللی و فعالیت‌های یونسکو در خصوص حقوق فرهنگی شهروندان یک کشور از جمله خرده‌فرهنگ‌های قومی، زبانی و مذهبی آشنا خواهند شد. دبیران محترم می‌توانند از این مقاله به منظور غنی کردن محتوای کتاب جامعه‌شناسی ۲ (فرهنگ) بحث خرده‌نظام فرهنگی و مجموعه‌ی فرهنگی (فصل اول) استفاده کنند.

مقدمه

گرچه تعریف واژه «فرهنگ» برای بیان و درک «حقوق فرهنگی» اهمیت اساسی دارد، اما یافتن تعریفی برای آن که مقبولیت گسترده‌ای داشته باشد، دشوار است. در واقع در متون مختلف تعریف‌های متفاوتی از این واژه ارائه شده است. واژه فرهنگ را می‌توان در هر دو معنای وسیع و محدود آن به کار برد. می‌توان فرهنگ را مجموعه فعالیت‌های انسان، تمامیت دانش، ارزش‌ها و عمل و یاد ر شکلی عالی‌تر، بالاترین فعالیت‌های خلاقانه و دستاوردهای فکری موجودات انسانی دانست که در قالب موسیقی، ادبیات، هنر و علم متجلی شده است. در حال حاضر مفهوم گسترده‌تر فرهنگ

رایج‌تر است. یونسکو این مفهوم را این گونه توضیح می‌دهد:

«...فرهنگ صرفاً مجموعه کارها یا دانش‌هایی که یک نخبه تولید می‌کند نیست، محدود به دسترسی به هنر و علوم انسانی هم نیست، بلکه کسب دانش، تقاضای شیوه‌ای از زندگی و نیاز به ارتباط است.» همچنین، گروهی کارشناس با تخصص‌های متفاوت، در نشستی در «اتاوا» در سپتامبر ۱۹۷۶ که به دعوت کمیسیون کانادایی برای یونسکو تشکیل شده بود، تعریف زیر را پیشنهاد کرد:

«فرهنگ، یک نظام ارزشی پویا از عناصر آموخته شده با فرض‌ها، میثاق‌ها، باورها و قوانین است که به اعضای یک گروه امکان می‌دهد به یکدیگر و جهان مربوط شوند و ارتباط برقرار کنند و استعداد خلاق خود را پرورش دهند.»

نوشته حاضر مفهوم گسترده‌تر «فرهنگ» و «حقوق فرهنگی» را می‌پذیرد. پذیرش مفهوم گسترده‌تر حقوق فرهنگی به این معناست که آنان به حق تحصیل، حق بهره‌برداری از پیشرفت علمی و حق دسترسی به اطلاعات اعتقاد دارند.

مفهوم «حقوق فرهنگی» به عنوان بخشی از رویکرد جدید به حقوق بشر (جامعه‌پذیری

آنان) شکل گرفت و پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد. طی بحث‌هایی که قبل از تصویب منشور سازمان ملل در گرفت، چند کشور آمریکای لاتین پیشنهاد کردند که حقوق فرهنگی در منشور سازمان ملل گنجانده شود. گرچه در نهایت، موضوع حقوق فرهنگی در منشور سازمان ملل گنجانده نشد، ولی این واقعیت که مقوله حقوق بشر در شورای اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است، می‌تواند شاهد این مدعا باشد که منشور از تعریف محدود

فرهنگ، صرفاً مجموعه کارها یا دانش‌هایی که تک‌تک تولید می‌کند نیست، محدود به دسترسی به هر و علوم انسانی هر نیست، بلکه کسب دانش، تفاسی و شیوه‌ای از زندگی و نیاز به ارتباط است

اما اکثریت اعضای کمیته سوم تصمیم گرفتند، این واژه را نگه دارند و از این طریق بر حق کشورها برای محدود کردن آزادی به منظور حفظ امنیت ملی، نظم عمومی و اخلاق تأکید کنند.

ماده ۱۵ گرچه به یک حق اشاره می‌کند، در واقع چهار حق متفاوت را به رسمیت می‌شناسد. بند چهارم که به مقوله همکاری بین‌المللی می‌پردازد، با گنجاندن عبارت «به رسمیت شناختن مزایای قابل دسترسی» طوری بیان شده است که به دشواری می‌توان از آن تعهدات الزام‌آور استنباط کرد. تعهدات و الزام‌هایی را که ماده ۱۵ برای کشورها قائل شده است، می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱. کشورها می‌باید از فعالیت‌هایی که مانع مشارکت افراد در زندگی فرهنگی می‌شود یا مانع بهره‌مندی آنان از پیشرفت علمی می‌گردد و یا مانع محافظت از منافع مادی و معنوی و انجام پژوهش‌های علمی یا فعالیت‌های اخلاق می‌شود، پرهیز کنند.
۲. کشورها می‌باید تضمین کنند که حقوق پیش‌بینی شده در ماده ۱۵، به واسطه فعالیت سایر افراد یا کشورها تضعیف یا تضییع نمی‌شود.
۳. کشورها ملزم هستند، به تدریج نسبت به تحقق کامل حق دسترسی افراد به زندگی فرهنگی اقدام کنند. که این شامل شناسایی و اقدام مؤثر برای بهبود آسیب‌پذیرترین و محروم‌ترین گروه‌های جامعه نیز هست.

اسناد هنجاری منطقه‌ای

بیانیه آمریکایی حقوق و وظایف بشر که در سال ۱۹۴۸ تدوین شد، نخستین سند بین‌کشوری است که مجموعه‌ای متنوع از حقوق فرهنگی را عرضه می‌کند. در ماده ۱۳ آن آمده است:

«هرکس حق دارد، در زندگی فرهنگی باهمستان شرکت کند و در منافع آن از

فرهنگ باشد.

۳. کشورهای عضو پیمان حاضر متعهد می‌شوند، به آزادی‌های لازم برای پژوهش علمی و فعالیت خلاقانه احترام بگذارند.

۴. کشورهای عضو پیمان حاضر، مزایای حاصل از تشویق و توسعه تماس‌های بین‌المللی و همکاری در عرصه‌های علمی و فرهنگی را به رسمیت می‌شناسند.

متن بند اول در مقایسه با ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر کمی تغییر کرده است و زندگی فرهنگی در «باهمستان» را شامل نمی‌شود. این بدان دلیل است که عبارت «زندگی فرهنگی باهمستان» گاهی اوقات در شکل مفرد آن ممکن است طوری تفسیر شود که حق اقلیت‌ها و یا دیگر گروه‌ها برای شرکت در زندگی فرهنگی مستقل خود، نفی شود.

در مورد بند دوم، در کمیسیون حقوق بشر و کمیته سوم بحث زیادی در گرفت؛ بحث در این زمینه که آیا لازم است برای توسعه علمی و فرهنگی اهداف معینی را در نظر گرفت؟ ابتدا پیشنهاد شد که همه کشورها توسعه علم و فرهنگ را برای نیل به پیشرفت و دموکراسی، و نیز صلح و همکاری بین‌کشورها تضمین کنند. این پیشنهاد رد شد، زیرا ممکن بود تعیین چنین اهدافی بهانه‌ای به دست دولت‌ها برای کنترل افراطی علم و فرهنگ بدهد.

در جریان بحث درخصوص بند سوم، بعضی کشورها واژه «ضروری» را در توصیف مفهوم آزادی بسیار محدود کننده دانستند،

حقوق بشر فاصله گرفته است.

در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸، مجمع عمومی، بیانیه جهانی حقوق بشر را تصویب کرد که ماده ۲۷ آن می‌گوید:

۱. همگان حق دارند آزادانه در زندگی فرهنگی جامعه مشارکت داشته باشند، از فعالیت‌های آن لذت ببرند و در منافع پیشرفت‌های علمی سهیم شوند.

۲. حقوق مادی و معنوی پدید آمده در اثر هرگونه فعالیت علمی، ادبی یا هنری افراد برای آنان محفوظ است.

این بیانیه همچنین در ماده ۲۲ می‌گوید: هرکس حق دارد از طریق تلاش‌های ملی و همکاری بین‌المللی به حقوق فرهنگی که لازمه کرامت و عزت انسانی و رشد آزادانه شخصیت اوست، دست یابد.

در پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برای بسط مفهوم حقوق فرهنگی یک گام به جلو برداشته شد. در ماده ۱۵ این پیمان آمده است:

۱. کشورهای عضو پیمان حاضر، این حقوق را برای همگان محترم می‌شمارند: الف) در زندگی فرهنگی شرکت کنند، ب) از مزایای پیشرفت‌های علمی و پیامدهای آن بهره‌مند شوند،

ج) حقوق مادی و معنوی پدید آمده در اثر هرگونه فعالیت علمی، ادبی یا هنری افراد، برای آنان محفوظ است.

۲. گام‌هایی که کشورهای عضو پیمان می‌باید برای تحقق این حقوق بردارند، باید شامل حفظ، توسعه و ترویج دانش و

پیشرفت فکری حاصل می‌شود و به‌ویژه اکتشافات علمی، سهمیم شود. همچنین هرکس حق دارد که منافع مادی و معنوی حاصل از اختراعات یا هرگونه فعالیت هنری علمی‌اش محترم شمرده شود.»

منشور آفریقایی حقوق بشر، تدوین شده در سال ۱۹۸۱، حق هرکس را برای شرکت آزادانه در زندگی فرهنگی باهمستان خود (ماده ۱۷) و وظیفه افراد برای حفظ و تقویت ارزش‌های فرهنگی و آفرینا در رابطه با دیگر اعضای جامعه را از طریق تساهل، گفت‌وگو و مشورت و به‌طور کلی، کمک به ارتقای رفاه معنوی جامعه بیان می‌کند. این منشور همچنین، از حقوق جمعی، حقوق همه مردم برای توسعه فرهنگی با احترام به آزادی و هویت آنان و بهره‌مندی از میراث مشترک بشریت سخن می‌گوید.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) از حقوق فرهنگی به‌طور خاص حمایت نمی‌کند.

اسناد و فعالیت‌های یونسکو برای تحقق حقوق فرهنگی (حقوق فرهنگی در اسناد تعیین استاندارد یونسکو)

اساسنامه یونسکو مستقیماً به مقوله فرهنگی اشاره نمی‌کند، ولی در ماده ۱ آن آمده است که هدف این سازمان کمک به صلح و امنیت از طریق افزایش همکاری بین کشورها با ابزارهای آموزش، علم و فرهنگ است. برای تحقق این هدف، سازمان یونسکو در کنار دیگر فعالیت‌ها ملزم است، فرهنگ را ترویج کند و از طریق محافظت از میراث جهانی- کتاب‌ها، فعالیت‌های هنری و بناهای تاریخی، علم و توصیه ملت‌ها- به کنوانسیون‌های بین‌المللی لازم‌الذات را حفظ، افزایش و گسترش دهد.

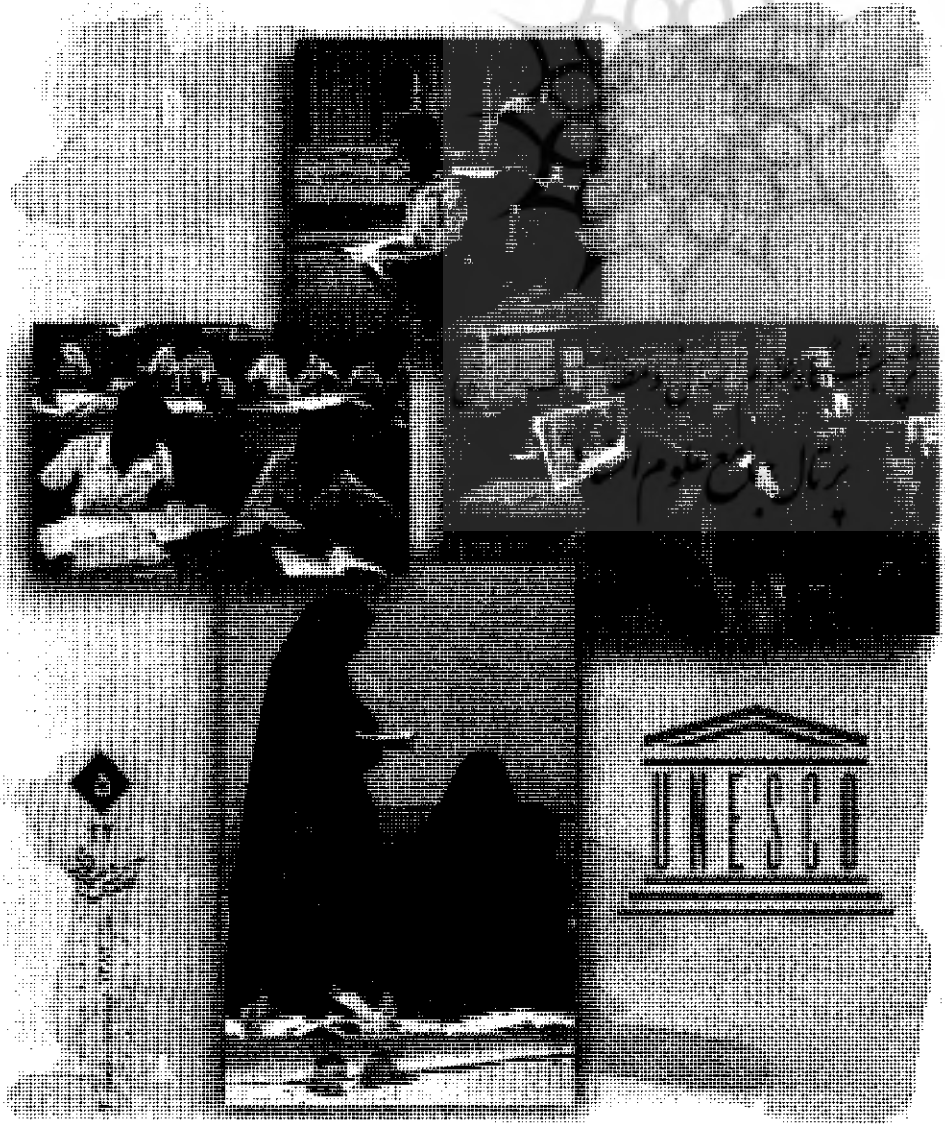
این فرمول با توجه به کنوانسیون‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که آماده‌سازی اسناد هنجاری در عرصه فرهنگ، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کارکردهای یونسکو شناخته شده

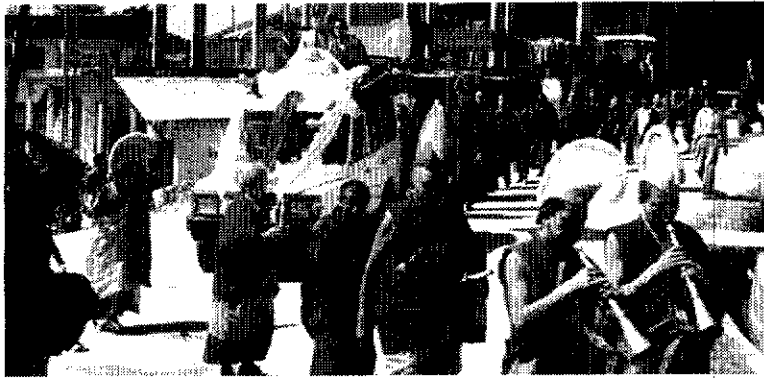
است. همچنین یونسکو تا کنون بیش از ۳۰ سند تعیین استاندارد (شامل بیانیه، توصیه و کنوانسیون) در ارتباط با جنبه‌های مختلف زندگی فرهنگی به کار گرفته است. کنوانسیون‌ها برای کشورهای عضو کاملاً الزام‌آور هستند، در حالی که در مورد بیانیه‌ها و توصیه‌های کنفرانس عمومی که به لحاظ قانونی الزام‌آور نیستند، کشورهای عضو می‌توانند آن‌ها را به بهترین وجه مناسب برای وضعیت خاص خود به کار گیرند.

اولین کنوانسیون حفاظت از حقوق فرهنگی تحت تأثیر بیانیه جهانی حقوق بشر تهیه شد که در ماده ۲۷ بند ۲ آن، حق نویسندگان را برای محفوظ ماندن منافع مادی و معنوی ایشان تصریح کرده است. یونسکو برای تضمین این حق در سال ۱۹۷۴

کنوانسیون جهانی «کپی‌رایت» را تصویب کرد. سایر کنوانسیون‌های مهم عبارتند از کنوانسیون محافظت از دارایی فرهنگی در جنگ‌ها (۱۹۵۴)، کنوانسیون عدم تبعیض تحصیلی (۱۹۶۰)، کنوانسیون راه‌های منع و پیشگیری از واردات، صادرات و انتقال غیرقانونی مالکیت دارایی فرهنگی (۱۹۷۰) و کنوانسیون محافظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (۱۹۷۲).

در میان بیش از ۲۰ بیانیه و توصیه در مورد انواع حقوق فرهنگی، سه مورد معروف‌ترند: بیانیه اصول همکاری فرهنگی بین‌المللی (۱۹۶۶)، توصیه به مشارکت اکثریت مردم در زندگی فرهنگی و سهم شدن در آن (۱۹۷۶) و توصیه در مورد موقعیت هنرمندان (۱۹۸۰). کنوانسیون‌ها، بیانیه‌ها و توصیه‌های یونسکو، علاوه بر محافظت





از حق آموزش و حق دسترسی به اطلاعات، از حقوق فرهنگی زیر نیز پاسداری می کنند:

۱. حق هویت فرهنگی، ۲. حق مشارکت در زندگی فرهنگی، ۳. حق حفاظت از دارایی و میراث فرهنگی ملی و بین المللی، ۴. حق نوآوری، ۵. حق بهره مندی از پیشرفت علمی، ۶. حق بهره مندی از منافع معنوی و مادی حاصل از تولیدات علمی و هنری، ۷. حق همکاری فرهنگی بین المللی.

فعالیت های یونسکو

علاوه بر اسناد یادشده، یونسکو برنامه هایی برای ارتقای حقوق فرهنگی و نظارت بر آن حلاجی کرده و به کار بسته است. بین دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، یونسکو شش کنفرانس بین کشوری را در سطح منطقه ای در خصوص سیاست های فرهنگی سازماندهی کرد. کنفرانس وینز (۱۹۷۰) که اولین آن ها بود، موجب افزایش آگاهی از جایگاه فرهنگ در دنیای معاصر و مسئولیت های کشورها در برابر زندگی فرهنگی شد. در این کنفرانس، بعضی پیشرفت های فناوری و فعالیت های اقتصادی برای میراث معماری و طبیعی و حتی صلح در جامعه و زندگی فرهنگی خطرناک شناخته شد. همچنین، نتیجه گرفته شد که مشارکت در زندگی فرهنگی را می باید تشویق کرد. در کنفرانس هلسینکی (۱۹۷۲)، فرهنگ نه امتیاز نخبگان که نیاز اساسی همگان دانسته شد. در کنفرانس لوگوتا (۱۹۷۸) به آفرینش فرهنگی و هنری توجه خاص شد و اهمیت تربیت نیروی متخصص برای محافظت از میراث فرهنگی نشان داده شد. در سال ۱۹۸۲ کنفرانس جهانی خط مشی فرهنگی تشکیل شد که به بررسی تجربه های به دست آمده در زمینه سیاست ها و فعالیت های عرصه فرهنگ پرداخت. یونسکو از طریق دبیرکل مکرراً خواستار

مبارزه جهانی برای محافظت از مکان های بسیار با ارزش شده است. از سال ۱۹۷۰، تعداد چنین بیکارهای بین المللی از ۲ به ۲۲ افزایش یافته و هفت مورد دیگر در حال شکل گیری است.

یونسکو با توجه به اساسنامه خود وظیفه افزایش همکاری فرهنگی بین المللی را در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی بر عهده دارد. از این رو، به کشورها برای ارتقای جنبه های مختلف سیاست های فرهنگی شان کمک می کند و برای فعالیت های متنوعی، از جمله تدوین سیاست ها، راهبردها یا برنامه های فرهنگی و آموزش افراد متخصص، به آن ها کمک فکری، فنی و مالی می کند.

یونسکو غیر از وضع استاندارد و فعالیت های عملی تحقیق در زمینه توسعه فرهنگی، تکرار فرهنگی و حقوق فرهنگی را نیز ترویج می کند. در سال ۱۹۶۸، یونسکو نشست کارشناسان را با عنوان «حقوق فرهنگی، حقوق بشر» برگزار کرد که نتایج آن در سال ۱۹۷۰ توسط یونسکو به چاپ رسید.

رابطه متقابل میان فرهنگ و توسعه نیز در کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه مورد بررسی قرار گرفت. این کمیسیون در پایان سال ۱۹۹۲ به طور مشترک توسط یونسکو و سازمان ملل به عنوان بخشی از «دهه جهانی برای توسعه فرهنگی» تشکیل شد. هدف اصلی این کمیسیون که ریاست آن را خاویر پرز دکویبار بر عهده داشت، تهیه

اولین گزارش جهانی در مورد فرهنگ و توسعه بود. کار کمیسیون بر اصول زیر استوار بود:

۱. حفظ و ارتقای تنوع فرهنگی، ۲. اذعان به توانش فرهنگ های محلی، ۳. بررسی اهمیت فرهنگ ها در سطح فردی، اجتماعی و ملی، ۴. یافتن راه هایی برای تبدیل فرهنگ به عامل توسعه پایدار، مصفانه و مشترک.

در سال ۱۹۹۵، کمیسیون گزارشی را با عنوان «تنوع خلاق ما» منتشر کرد که در آن عنوان «حمایت از حقوق فرهنگی به منزله حقوق بشر» دیده می شود. کمیسیون تهیه فهرستی از حقوق فرهنگی را که اسناد حقوق بین المللی موجود از آن ها حمایت نمی کنند، پیشنهاد کرد.

حقوق فرهنگی اقلیت ها و مردم بومی

حقوق فرهنگی اقلیت ها ابزارهای تعیین استاندارد سازمان ملل در منشور سازمان ملل به اقلیت ها اشاره نشده بود. این پدیده را می توان با تجربه دوگانه ارزیابی و این واقعیت که در سان فرانسیسکو، کشورهای مهاجرپذیر در قاره آمریکا تمایل چندانی به دفاع از اقلیت ها نداشتند، توضیح داد. در سال ۱۹۴۷، سازمان ملل معتقد بود که دیدگاه نظام اقلیتی لیگ ملت ها دیگر وجود ندارد و جای خود را به مفهوم جهانی و فردگرایانه حقوق بشر داده است.

فعالیت ها و تعیین استاندارد توسط

سازمان ملل در آن زمان تحت تأثیر مفهوم فردگرایانه عدم تبعیض و مساوات قرار داشت. بیانیه جهانی حقوق بشر به دفاع از حقوق اقلیت‌ها اشاره‌ای نمی‌کند، ولی در طول بحث در مورد آن، پیشنهادهایی در این زمینه مطرح شده است. این پیشنهادها به دلیل ترس از شکل‌گیری گرایش‌ها و جنبش‌های جدایی طلب رد شدند. به همین دلیل، اعلامیه جهانی فقط حاوی مطالب کلی در مورد منع تبعیض است.

مفهوم حمایت از افراد متعلق به اقلیت‌ها و نه خود اقلیت‌ها در کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پذیرفته شد. در ماده ۲۷ آن آمده است:

«در کشورهایی که اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی وجود دارد، افراد متعلق به این اقلیت‌ها نمی‌باید از حق بهره‌مندی از فرهنگ خود، عمل به دین خود و استفاده از زبان خود محروم شوند.»

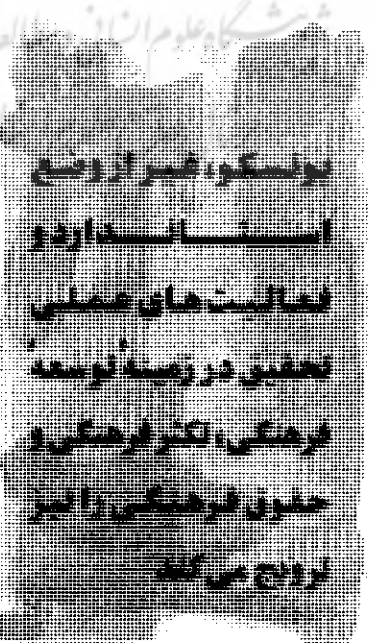
به همین ترتیب، کنوانسیون مقابله با تبعیض تحصیلی (۱۹۶۰)، حق افراد متعلق به اقلیت‌ها را مطرح می‌کند:

«ضروری است که حق اعضای اقلیت‌های هر کشور را برای انجام فعالیت‌های تحصیلی خود بپذیریم، از جمله نگهداری مدارس، و بسته به سیاست آموزشی هر کشور، استفاده از آموزش به زبان خود.»

در میان بیانیه‌های یونسکو دو مورد از نظر اذعان به حقوق جمعی اقلیت‌ها اهمیت خاصی دارند که عبارتند از: بیانیه نژاد و تعصب نژادی (۱۹۷۸) که می‌گوید: «همه افراد و گروه‌ها حق دارند متفاوت باشند، خود را متفاوت بدانند و این گونه در نظر گرفته شوند.» و بیانیه اصول همکاری فرهنگی بین‌المللی که در آن آمده است: «۱. هر فرهنگی دارای هویت و ارزشی است که می‌باید مورد احترام قرار گیرد و حفظ شود.

۲. هرکس حق دارد و موظف است فرهنگ خود را توسعه دهد.»

مجمع عمومی، در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ در قطعنامه ۴۷/۱۳۵، بیانیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی را تصویب کرد. بنابراین کاری که کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۷۸ با تشکیل یک گروه کاری آغاز کرده بود، در نهایت به موفقیت رسید. این بیانیه کشورها را ملزم می‌کند، از موجودیت و هویت اقلیت‌های موجود در سرزمین خود محافظت کنند. از جمله حقوقی که بیانیه برای اقلیت‌ها قائل است می‌توان به این موارد اشاره کرد: ایمان و عمل به دین خود، استفاده از زبان خود، شرکت مؤثر در زندگی فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی خود، تصمیم‌گیری در مورد مسائل مربوط به اقلیت خود، تشکیل و کنترل انجمن‌های خود، تماس آزادانه و بدون تبعیض با دیگر اعضای گروه خود و یا دیگر شهروندان سایر کشورها که به لحاظ ملی یا قومی، مذهبی یا زبانی با آن‌ها قرابت دارند. بیانیه برای رفع هر گونه سوءبرداشت از متن خود تأکید می‌کند که مفاد این بیانیه هیچ فعالیت مغایر با اهداف و اصول سازمان ملل متحد از جمله برابری کشورها از نظر حاکمیت مطلق، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها



را مجاز نمی‌شمرد.

بیانیه و برنامه عمل وین که در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ توسط کنفرانس جهانی حقوق بشر تصویب شد، از کمیسیون حقوق بشر خواست، راه‌ها و ابزارهای لازم را برای ارتقا و حمایت مؤثر از حقوق افرادی که به اقلیت‌ها تعلق دارند، بررسی کند. این بیانیه از کشورها و جامعه بین‌المللی می‌خواهد، از حقوق افراد متعلق به اقلیت‌ها حمایت و آن را ارتقا بخشد. چنین اقداماتی باید شامل تسهیل مشارکت آنان در همه جنبه‌های زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی جامعه و پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور خود باشد.

حقوق فرهنگی آن گونه که در نظام اروپایی حمایت از اقلیت‌ها پیش‌بینی شده است

فرایند CSCE: حمایت از حقوق اقلیت‌ها در اروپا در مقایسه با جهان پیشرفته‌تر است. «قانون نهایی هلسنکی» که در سال ۱۹۷۵ تصویب شد، می‌گوید:

«کشورهای شرکت‌کننده‌ای که در خاک خود دارای اقلیت هستند، به حقوق افراد متعلق به این اقلیت‌ها از نظر برابری در پیشگاه قانون احترام می‌گذارند، به آنان امکان می‌دهند از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بهره‌مند شوند و از این طریق، منافع مشروع آنان را در این زمینه حمایت خواهند کرد.»

در سند نهایی مادرید که در سال ۱۹۸۳ تصویب شد، اهمیت پیشرفت مستمر برای بهره‌مندی واقعی اقلیت‌ها از حقوق خود مورد تأکید قرار گرفت. در نشست بعدی در وین یک گام به جلو برداشته شد. در جو جدید جهانی که به واسطه «پروسترویکا» و از میان رفتن اختلاف ایدئولوژیک میان شرق و غرب ایجاد شده بود، سند نهایی وین در سال ۱۹۸۹ تصویب شد. این سند وظیفه ایجاد شرایط لازم برای ارتقای هویت قومی،

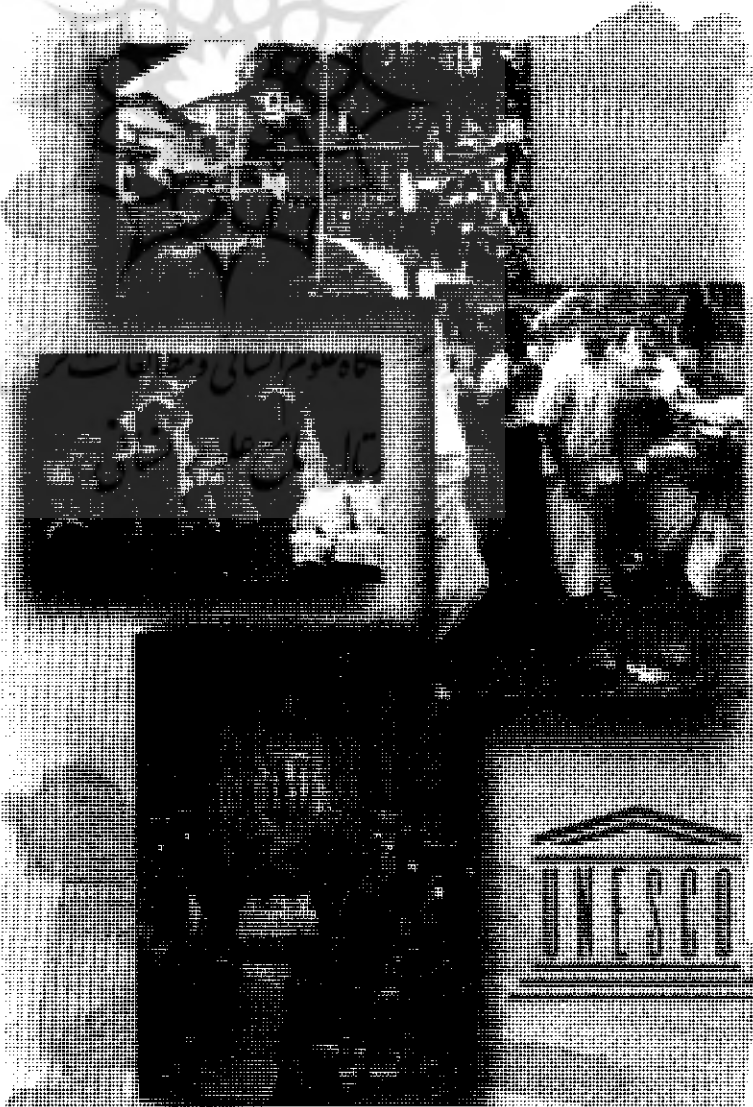
فرهنگی، زبانی و مذهبی اقلیت‌ها را بر عهده کشورهای شرکت کننده گذاشت.

نشست کپنهاگ در سال ۱۹۹۰ فرصت مناسبی برای کشورها بود که رویکرد مثبت خود را در زمینه حمایت از حقوق اقلیت‌ها نشان دهند. سند نهایی، با تأکید بر اصل مساوات و عدم تبعیض، فهرستی از حقوق فرهنگی مخصوص اقلیت‌ها را عرضه کرد که عبارتند از: حفظ و توسعه هویت قومی، فرهنگی، زبانی و مذهبی؛ استفاده آزادانه از زبان ملی؛ پدید آوردن و حفظ نهادها، سازمان‌ها و انجمن‌های آموزشی، فرهنگی و مذهبی؛ ایمان و عمل به دین خود؛ تماس با افرادی که به لحاظ قومی، ملیت و فرهنگ در درون و خارج از کشور با آن‌ها دارای مشترکات هستند؛ شرکت در امور عمومی و فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی

غیردولتی.

کشورهای عضو موافقت کردند که بر حفظ هویت قومی، فرهنگی، زبانی و مذهبی اقلیت‌ها، شرایط را برای این حمایت فراهم می‌کنند. سازماندهی حقوقیت ملی یا اعطای خودمختاری، مسئولیت‌های ویژه و ویژگی‌های تاریخی و سرزمین اقلیت‌ها؛ آموزش و یادگیری به زبان اقلیتی؛ و کارگیری آن در صورت لزوم در تمامی مقامات دولتی، از جمله ابزارهای ارتقای هویت می‌توانند باشند.

منشور پاریس که در نشست CSCE در ۲۱ نوامبر ۱۹۹۰ به تصویب رسید، بر حمایت از هویت‌های مختلف اقلیت‌ها و تأمین شرایط تحقق آن مجدداً تأکید ورزید. همین اصول در چند قرارداد دوطرفه در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی تکرار



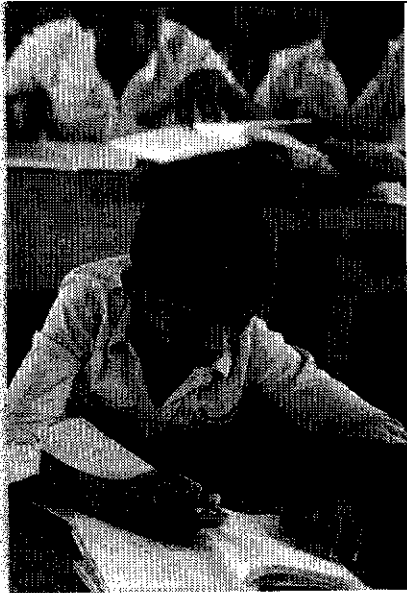
ششمین کنوانسیون اروپایی حقوق اقلیت‌ها

در سال ۱۹۹۴، در نشست کپنهاگ، کشورهای اروپای غربی و مرکزی توافق کردند که ششمین کنوانسیون اروپایی حقوق اقلیت‌ها را تصویب کنند. این کنوانسیون، حقوق اقلیت‌ها را در سطح بین‌المللی تضمین می‌کند و بر اساس آن، کشورهای اروپایی موظفند به اقلیت‌ها در زمینه‌های مختلف، از جمله آموزش، زبان، فرهنگ، مذهب و دین، حقوق برابر با اکثریت را بدهند. این کنوانسیون، به‌ویژه به اقلیت‌ها در زمینه آموزش و زبان، حقوق بیشتری می‌دهد. به عنوان مثال، این کنوانسیون، به اقلیت‌ها اجازه می‌دهد تا در مدارس خود، به زبان مادری خود تدریس کنند. همچنین، این کنوانسیون، به اقلیت‌ها اجازه می‌دهد تا در ادارات دولتی، به زبان خود تدریس کنند. علاوه بر این، این کنوانسیون، به اقلیت‌ها اجازه می‌دهد تا در رسانه‌ها، به زبان خود تدریس کنند. این کنوانسیون، به اقلیت‌ها اجازه می‌دهد تا در محاسبات انتخاباتی، به زبان خود تدریس کنند. این کنوانسیون، به اقلیت‌ها اجازه می‌دهد تا در محاسبات انتخاباتی، به زبان خود تدریس کنند. این کنوانسیون، به اقلیت‌ها اجازه می‌دهد تا در محاسبات انتخاباتی، به زبان خود تدریس کنند.

شورای اروپا: کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) در ماده ۱۴، یک بند غیرکلی در خصوص عدم تبعیض دارد که بر اساس آن، بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های پذیرفته شده در کنوانسیون می‌باید بدون هیچ‌گونه تبعیض تأمین شود.

در سال ۱۹۹۲، شورای اروپا منشور اروپایی زبان‌های منطقه‌ای و اقلیت‌ها را تصویب کرد. منشور بر اساس این فرض استوار است که حمایت از زبان منطقه‌ای و اقلیت‌ها و ارتقای آن، نقش مهمی در ساختن اروپا بر اساس اصول دموکراسی و تنوع فرهنگی در چارچوب حاکمیت ملی و یکپارچگی سرزمین دارد.

در سال ۱۹۹۴، کنوانسیون پایه برای حمایت از اقلیت‌های ملی توسط کمیته موقتی برای محافظت از اقلیت‌های ملی تحت نظارت کمیته وزیران شورای اروپا طراحی و در اول فوریه ۱۹۹۵ برای امضا آماده شد، کنوانسیون از کشورها می‌خواهد به حقوق فرهنگی اقلیت‌ها احترام بگذارند؛ از جمله: حفظ عناصری از هویت فرهنگی آن‌ها، استفاده آزادانه از زبان خود در



می‌گیرد. بررسی و بحث با حضور نمایندگان هر کشور انجام می‌شود و منظور از آن کمک به کشورها برای عمل به تعهداتشان است و جنبه تخطئه ندارد. در پایان هر جلسه، کمیته گزارشی را به شورا ارائه می‌کند که حاوی خلاصه‌ای از گزارش کشور، اطلاعات آژانس‌های تخصصی، اظهارنظر اعضای کمیته، پاسخ نمایندگان کشورها و اظهارنظر نهایی است.

تدوین شده‌اند، تهیه شود. گزارش باید حاوی شرح سیمای کلی کشور، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن، چارچوب قانونی که در آن حقوق بشر مورد محافظت قرار می‌گیرد و پاسخ به مجموعه‌ای از سؤال‌ها باشد.

براساس ماده ۱۵ پیمان، باید به سؤالات مربوط به حق مشارکت افراد در زندگی فرهنگی، بهره‌مندی از پیشرفت علمی و بهره‌مندی از منافع مادی و معنوی حاصل از تولیدات علمی و هنری پاسخ داد. کشورها می‌باید اطلاعات مربوط به هزینه‌های توسعه فرهنگی و مشارکت مردم، زیرساخت سازمانی برای تحقق مشارکت مردم در ارتقای فرهنگی هویت به عنوان عاملی برای احترام متقابل بین افراد، گروه‌ها، ملت‌ها یا مناطق، ارتقای آگاهی و بهره‌مندی از میراث فرهنگی توسط اقلیت‌ها و گروه‌های قومی و بومی، نقش رسانه‌های جمعی و ارتباطی در افزایش مشارکت در زندگی فرهنگی، حفظ و انتقال میراث فرهنگی بشر، قانونگذاری برای محافظت از آزادی نوآوری هنری، تحصیل تخصصی در زمینه فرهنگ و هنر و هر اقدام دیگری برای اشاعه فرهنگ را در گزارش بگنجانند.

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برای کمک به شورای اقتصادی و اجتماعی، تشکیل کمیته‌ای را پیش‌بینی کرد. در سال ۱۹۸۵، تصمیم گرفته شد کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با حضور ۱۸ کارشناس تشکیل شود.

اعضای کمیته به مدت چهارسال توسط شورا انتخاب می‌شوند و وظیفه کمیته در ارتباط با اجرای مفاد پیمان است. بحث درخصوص گزارش‌ها به صورت علنی در نوامبر/ دسامبر و هر سال در ژنو صورت

رویه‌های یونسکو

ارائه گزارش‌های کشورهای عضو و بررسی آن‌ها

براساس ماده ۴ بند ۶ اساسنامه یونسکو، کنفرانس عمومی، گزارش‌های کشورهای عضو را که برای یونسکو فرستاده می‌شوند، بررسی می‌کند. کشورهای عضو گزارش‌های خود را به ترتیبی که کنفرانس عمومی معین می‌کند، ارائه می‌دهد. ممکن است کنفرانس عمومی از کشورهای عضو ارائه اطلاعات دیگری درخصوص قوانین و مقررات و آمار مربوط به نهادها و فعالیت‌های آموزشی، علمی و فرهنگی را درخواست کند. علاوه بر اساسنامه یونسکو، چند کنوانسیون و توصیه دیگر نیز حاوی موادی در رابطه با این گزارش‌ها هستند.

رویه ارتباطی

در سال ۱۹۷۸، هیأت اجرایی یونسکو رویه‌های ارتباطی بین‌المللی را به منظور تسهیل و تقویت همکاری‌ها در زمینه حقوق بشر، توسعه اقتصادی و اجتماعی، فرهنگ و آموزش تعیین کرد. این رویه‌ها در سال ۱۹۸۵ به تصویب هیأت اجرایی رسیدند. این رویه‌ها در سال ۱۹۹۴ به تصویب کمیسیون حقوق بشر در فصلنامه ۱۹۹۴ به گام‌های برداشته شده توسط کمیته برای تهیه پیش‌نویس پروتکل اختیاری نشان داده است و گزارشی نیز از پیشرفت‌ها توسط کمیته به کمیسیون ارائه شده است.

پیشنهاد برای تصویب پروتکل اختیاری کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ژنو ۱۹۹۳ به کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین پیشنهاد تصویب یک پروتکل را داد که به افراد اجازه می‌داد، شکایت‌های خود را درخصوص نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان مطرح کنند. ازجمله استدلال‌هایی که برای تصویب این رویه مطرح شدند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

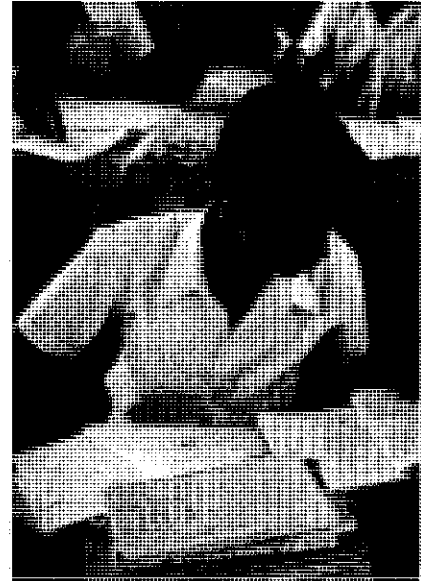
۱. اصل تفکیک‌ناپذیر بودن حقوق بشر این نتیجه منطقی را به دست می‌دهد که هر دو گروه از حقوق بشر، در زمینه حقوق مدنی و سیاسی، و نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید از تضمین یکسانی برخوردار باشند.

۲. پذیرش این رویه شبه قضایی به طور خودکار حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را روزآمد می‌کند.

۳. تصویب حق شکایت در سطح بین‌المللی، دولت‌ها را تشویق می‌کند تا راه‌ها و ابزارهای مؤثرتر داخلی را اتخاذ کنند.

۴. تصویب این پروتکل افراد و دولت‌ها را به سوی تفسیر و عمل دقیق‌تر به پیشنهاد تشویق می‌کند.

کمیسیون حقوق بشر در فصلنامه ۱۹۹۴ برای تهیه پیش‌نویس پروتکل اختیاری نشان داده است و گزارشی نیز از پیشرفت‌ها توسط کمیته به کمیسیون ارائه شده است.



قابلیت پذیرش تقاضاها

برای پذیرش تقاضا باید ۱۴ شرط تأمین شده باشد؛ از جمله تقاضا باید:

- بدون اسم نباشد.
- از طرف فرد یا گروهی ارائه شده باشد که از قربانیان باشند.
- دارای اطلاعات موثق از نقض حقوق بشر در حدود اختیارات یونسکو باشند.
- با اصول یونسکو، منشور سازمان ملل و دیگر ابزارهای حقوق بشر همخوانی داشته باشد.
- هیأت اجرایی مشخص نکرده است، کدام یک از موارد نقض حقوق بشر به یونسکو مربوط می شود، ولی در عمل می توان موارد زیر را در صلاحیت یونسکو دانست:
- حق تحصیل،
- حق شرکت در پیشرفت علمی و بهره مندی از منافع آن،
- حق مشارکت آزادانه در زندگی فرهنگی،

● حق دسترسی به اطلاعات، شایع آزارهای فیزیکی و روانی.

این حقوق تاریخی حقوق دیگری را مطرح می کنند:

- حق آزادی اندیشه و وجدان،
- حق دسترسی به اطلاعات و ایده ها از طریق رسانه ها،
- حق محفظه مانند حقوق معنوی و مالی،
- حق آزادی بیان و دسترسی به رسانه ها،
- حق آزادی اجتماع و تشکیل انجمن برای

فعالیت های مربوط به تحصیل علم، فرهنگ و اطلاعات.

نتیجه گیری

گرچه الزام کشورها برای تحقق حقوق فرهنگی، در چند سند تعیین استاندارد که به تصویب سازمان ملل، یونسکو و سازمان های منطقه ای رسیده، بیان شده است، هنوز می توان حقوق فرهنگی را در گروه رشد نیافته حقوق بشر جای داد. دلیل این امر آن است که هیچ یک از سند های موجود حقوق فرهنگی را برنشموده اند و بسیاری از آن ها مورد حمایت نیستند.

مهم ترین اسناد حقوق بشر، یعنی بیانیه جهانی حقوق بشر و پیمان بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به معدودی از این حقوق اشاره می کنند. به علاوه، اکثر اسناد یونسکو که به حقوق فرهنگی خاص می پردازند، بیانیه ها و توصیه های الزام آور با پشتوانه قانونی نیستند. بنابراین، لزوم تدوین حقوق فرهنگی به منظور ارائه فهرستی طولانی از آن ها در یک کنوانسیون الزام آور، کاملاً منطقی به نظر می رسد.

رویه های بین المللی برای تحقیق در مورد اجرای حقوق فرهنگی و کنترل آن به گزارش کشورها مبتنی است و به سختی می توان آن را بسیار پیشرفته دانست. تنها رویه ارتباطی که به افراد امکان می دهد، شکایات خود را درخصوص نقض حقوق فرهنگی مطرح کنند و توسط یونسکو برقراری شده است، چندین تجربه موفق در زمینه های مختلف را در مورد مسائل حقوق بشری ارائه می کند.

این تجربه ها نشان می دهد که با وجود اینکه پروتکل اختیاری پیمان بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در برقراری یک رویه جدید ارتباطی تعیین شده، شاخص های می توانند نقش مهمی در تحقق حقوق فرهنگی بازی کنند. شاخص ها می توانند وسیله ای برای

اندازه گیری تحقق پیشرونده این حقوق و روشی برای مشخص کردن دشواری ها یا مشکلات پیش روی کشورها باشند. همچنین، شاخص ها می توانند در آشکار کردن میزان تحقق عملی حقوق معین، کمک کننده باشند و به عنوان وسیله ای برای اندازه گیری و مقایسه عملکرد تک تک کشورها عمل کنند.

در وضعیتی که کل مقوله حقوق بشر رشد نیافته است، تقاضای تدوین شاخص های بسیار دقیق در این زمینه بسیار شتاب زده است. اما اطلاعات آماری می تواند عدم تجانس میان نیازها و دستاوردها را روشن کند که به ویژه در عرصه فرهنگ به دلیل پویایی، تنوع آن چشمگیر است. اگر بخواهیم از شاخص هایی برای کنترل درجه تمکین کشورها از پیمان بین المللی استفاده کنیم، ابتدا باید گستره و ماهیت الزام های هر کشور را ارزیابی کنیم.

الزام های دو کشور برای احترام گذاشتن به حق مشارکت و ارتقای آن در زندگی فرهنگی با وضع قوانین الزام آوری که پیمان بین المللی تحمیل می کند و با گنجاندن معیارها و اصول حقوق بشر در سیاستگذاری در همه سطوح محقق می شود. سنجش کفایت این خط مشی را می توان از طریق کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام داد که می باید معیارهایی را برای حقوق بشر تدوین کند تا کشورها هنگام طراحی سیاست

فرهنگی خود و تمام برقراری به سبب تحقق شاخص بین المللی در زندگی فرهنگی به آن بپردازند.

این شاخص ها می توانند وسیله ای برای

این شاخص ها می توانند وسیله ای برای